

بررسی راه‌های فرار مالیاتی در مناطق آزاد تجاری

جواد قنبری نژاد^۱
مهدي صالحی^{۲*}
احمد پیفه^۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۱۸

چکیده

پژوهش حاضر بدنبال بررسی راه‌های مختلف فرار مالیاتی در مناطق آزاد تجاری کشور ایران می‌باشد. به عبارتی این پژوهش بدنبال یافتن پاسخ به این سوال است که آیا عوامل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، تمکین مالیاتی، فرار مالیاتی و نرخ مالیاتی (انصاف مالیاتی) می‌توانند موجبات فرار مالیاتی را در مناطق آزاد تجاری کشور ایران، فراهم کنند یا خیر؟

این پژوهش بر اساس هدف، کاربردی و بر اساس روش، توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه کارمندان و متخصصان اداره گمرک و اداره امور مالیاتی مناطق آزاد تجاری کشور می‌باشد. برای این منظور تعداد ۴۸۰ نفر از کارمندان اداره مالیاتی مناطق آزاد تجاری و ۴۰۰ نفر هم از کارمندان اداره گمرک به روش نمونه‌گیری کوکران به عنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند. در این پژوهش از آزمون‌های PLS برای بررسی تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته استفاده شده است.

نتایج تحقیق نشان داد که عوامل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، تمکین مالیاتی، فرار مالیاتی و نرخ مالیاتی (انصاف مالیاتی) بر فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی در مناطق آزاد تجاری ایران، تاثیر مثبت و معناداری دارند.

واژگان کلیدی: فرار مالیاتی؛ نرخ مالیاتی؛ عوامل اقتصادی؛ تمکین مالیاتی

طبقه‌بندی JEL: H26; K34

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران، پست الکترونیکی: javad.82@gmail.com

^{۲*} استاد حسابداری، گروه حسابداری، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران، نویسنده مسئول، پست الکترونیکی: Mehdi.salehi@um.ac.ir

^۳ استادیار حسابداری، گروه حسابداری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران، پست الکترونیکی: pifeh@acc.usb.ac.ir

۱. مقدمه

مناطق آزاد در ایران از سال ۱۳۷۲ با تصویب قانون نحوه اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی شروع به فعالیت کردند و اصلاحات دیگری نیز از ناحیه دستگاه‌های اجرایی و قانون‌گذاری و یا مجمع تشخیص مصلحت نظام به آن اضافه شده است تا به روان‌سازی امور در این مناطق کمک کرده باشد. مدیریت مناطق آزاد در این مناطق، متعلق به دولت است و دولت در چارچوب سازمانهای مستقل که بصورت شرکت‌های با شخصیت حقوقی رسمیت یافته‌اند، هر منطقه آزاد را اداره می‌کند. هرچند اداره نهایی این مناطق زیر نظر رئیس جمهور بوده و در قالب شورای عالی مناطق آزاد تجاری - صنعتی اتفاق می‌افتد. در حال حاضر در ایران، هشت منطقه آزاد کیش، قشم، چابهار، انزلی، اروند، جلفا و ماکو و منطقه آزاد فرودگاه امام فعال هستند که در زمینه‌های مختلف صنعتی و تجاری اقدام به فعالیت در چارچوب قوانین و مقررات تعریف شده می‌کنند. هر منطقه توسط سازمانی که به صورت شرکت یا شخصیت حقوقی مستقل تشکیل می‌گردد و سرمایه آن متعلق به دولت است، اداره می‌شود. این شرکت‌ها و شرکت‌های وابسته از شمول قوانین و مقررات حاکم بر شرکت‌های دولتی و سایر مقررات عمومی دولت مستثنی بوده و منحصراً بر اساس قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی مصوب ۱۳۷۲/۶/۷ مجلس شورای اسلامی و اساسنامه‌های مربوط، اداره خواهند شد و در موارد پیش‌بینی نشده در قانون مذکور و اساسنامه تابع قانون تجارت خواهند بود. سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق آزاد تابع مقررات خاص سرمایه‌گذاری در آن مناطق است. اما مناطق ویژه اقتصادی در این خصوص جزئی از سرزمین اصلی محسوب می‌گردد و مشمول قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی است. مناطق ویژه اقتصادی نقش به‌سزائی در افزایش روند تجارت بین‌المللی و اشتغال‌زایی در سراسر جهان ایفا می‌نماید (پست و کالواو^۱، ۲۰۲۰). از منظر اقتصاد جهانی، مناطق ویژه اقتصادی و مناطق پردازش صادراتی به‌عنوان ابزار یا اهداف سیاست‌گذاری‌های دولت‌ها در جهت گسترش صنعتی شدن، اشتغال‌زایی و توسعه منطقه‌ای به شمار می‌روند. بنابراین در کنار بخش نفت و گاز و درگیر فعالیت‌های مربوط به گسترش صادرات غیرنفتی، در زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران می‌توان به مناطق آزاد و یا مناطق ویژه اقتصادی اشاره نمود. در حالی که بیش از ۲۰ منطقه آزاد و پردازش صادرات در کشور وجود دارد. سه منطقه کیش، قشم و چابهار اکنون نقش عمده‌ای از سرمایه‌گذاری زیربنایی خود را انجام داده و صرف‌نظر از ابهامات در زمینه مقررات

¹ Post, E., and Calvão

بانکی و پولی مربوط به آن‌ها، اکنون آماده‌اند تا سرمایه‌گذاری‌های بالقوه را تبدیل به بالفعل کند. از مناطق پردازش صادرات می‌توان به مناطق ویژه اقتصادی سیرجان، سلفجگان، بوشهر و سرخس اشاره نمود. معافیت مالیاتی به مدت ۲۰ سال در مناطق آزاد وجود دارد و در مناطق ویژه اقتصادی تخفیف مالیاتی طبق مقررات داخل کشور است.

با توجه به اینکه در مفاد قانون مالیات‌های ایران به منظور جذب سرمایه و توسعه صادرات در مناطق آزاد تجاری صنعتی، معافیت‌ها و مشوق‌های ویژه‌ای در پایه‌های مختلف مالیاتی مشخص شده است. این امر علاوه بر توسعه اقتصادی و صنعتی و سرمایه‌گذاری می‌تواند مسبب رفتارهای مالیاتی در این مناطق باشد و هزینه‌های اقتصادی و مالی بسیاری را به دولت تحمیل کند، همچنین مناطق آزاد نیز با توجه به شرایط آسان ثبت شرکت‌ها، جابجایی پول و ورود و خروج کالا که عمدتاً با هدف جذب سرمایه در این مناطق ایجاد شده است، همچنین مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهند که کشورهای در حال توسعه همچون ایران بیشتر در معرض فعالیت‌های فرار مالیاتی قرار دارند چرا که در این کشورها به دلیل عدم نظارت دولت‌ها، استفاده از روش‌های غیر قانونی آسان‌تر است. این مساله یکی از ضرورت‌های اصلی انجام تحقیق حاضر می‌باشد. از طرفی، بدون شک یکی از عوامل تحقق نظام مالیاتی مطلوب، کارایی اقتصادی مالیات است که مبتنی بر همان مقررات گذاری کارآمد و پاسخگوست. علی‌القاعده اتخاذ تصمیم نسبت به اخذ مالیات باید مبتنی بر ملاحظات اصلی توسعه اقتصادی باشد. مالیات‌گذاری انگیزه سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و لذا وضع مالیات خارج از ضوابط تسهیل اقتصادی، به کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری، کار و تلاش منجر می‌شود. از این‌رو این مناطق در کشورهای مختلف، اغلب با معافیت‌های متعدد مالیاتی و مقررات خاص مواجه است. نظام مالیاتی ایران در این زمینه می‌بایست بررسی شود تا نسبت به استانداردها و شاخص‌های مناطق ویژه اقتصادی پیشرو در جهان، مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد. از طرف دیگر طی سالیان متمادی بودجه در ایران به ارز حاصل از فروش نفت و گاز متکی بوده و این اقلام به مهمترین منبع درآمد در بودجه بدل گشته‌اند. در حال حاضر که تحریم‌های گسترده‌ای بر کشورمان تحمیل شده است و شرایط را برای فعالیت اقتصادی در حوزه بین‌الملل محدود ساخته و امکان مبادلات اقتصادی و ارزی با دیگر کشورها را بسیار دشوار کرده است؛ شاهد کاهش درآمدهای حاصل از فروش اقلام صادراتی از جمله نفت و مشتقات آن هستیم. در چنین شرایطی توجه به نقش نظام مالیاتی به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر ثبات و پایداری اقتصادی در کشور و جلب اعتماد اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد. مالیات از منابع مهم درآمد دولت‌ها است که در ایران هم، چند سالی است که مورد توجه

خاص قرار گرفته است. وجود ثبات و تداوم در وصول مالیات، باعث ایجاد ثبات در برنامه‌ریزی دولت‌ها برای ارائه خدمات به مردم می‌شود. در کشورهای توسعه‌یافته، شهروندان با توجه به میزان درآمد، ثروت یا مصرف خود مالیات پرداخت می‌کنند و در نهایت در این سیستم‌ها، مالیات به یک عنصر مثبت اثرگذار در نظام اجتماعی تبدیل شده است. بنابراین با توجه به اهمیت رفتار مالیاتی در مناطق آزاد صنعتی و تجاری، بررسی این موضوع و ارائه مدل رفتارهای فرار مالیاتی در این منطقه ضروری است.

۲. ادبیات موضوع

مالیات بعنوان یکی از ابزارهای تاثیر گذار است که بر سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های واحدهای تجاری اثر می‌گذارد. بطوریکه از یک سو هزینه اجباری تلقی می‌گردد و از سوی دیگر بر نحوه سرمایه‌گذاری و تامین مالی شرکت‌ها اثر می‌گذارد (دزایی و دارماپال^۱، ۲۰۰۹). به همین خاطر، یکی از برنامه‌هایی که شرکتها دنبال می‌کنند، کاهش هزینه مالیاتی است. سهامداران نیز به اندازه‌ای که از تلاش برای کاهش میزان مالیات توسط مدیران خوشحال می‌شوند، نگران مخاطرات و ریسک مالیاتی از قبیل پرداخت مالیات بیشتر در آینده و جرایم مالیاتی نیستند. اجتناب مالیاتی را می‌توان به استفاده از پیچیدگی‌ها، روش‌ها و شکاف در قوانین مالیاتی در نظر گرفت که با کاهش هزینه‌های شرکت، باعث انتقال ثروت از دولت به سهامداران می‌شود. انتقال ثروتی که شاید در رابطه با تحقق جریان‌های نقدی آینده ابهاماتی وجود داشته باشد (کیم^۲ و همکاران، ۲۰۱۱).

سیاست مالیاتی جسورانه یک راه قانونی با استفاده خلاقانه موجود در قوانین مالیاتی جهت عدم پرداخت یا تاخیر در پرداخت مالیات برای شرکت‌ها هست. از آنجا که اجتناب مالیاتی فعالیتی ظاهراً قانونی است به نظر می‌رسد که بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید باشد و چون اجتناب مالیاتی در محدوده‌ای مشخص برای استفاده از مزیت‌های مالیاتی است و اکثراً قوانین محدوده‌کننده‌ای در زمینه کنترل آن وجود ندارد. اجتناب مالیاتی نوعی سوء استفاده رسمی از قوانین مالیاتی است و با یافتن راه‌های گریز از پرداخت مالیات در قوانین مالیاتی یا تلاش در جهت یافتن راه‌های قانونی به منظور کاهش مالیات پرداختی مرتبط هست. در ادبیات حسابداری،

¹ Desai, M., and Dharmapala

² Kim

اجتناب مالیاتی از دو بعد گسترده و محدود تعریف شده است. در بعد گسترده آن، اجتناب مالیاتی به معنی کاهش آشکار مالیات به ازای هر زیان سود حسابداری قبل از مالیات تعریف شده است. طبق این تعریف تمام معامله هایی که بر بدهی مالیاتی آشکار شرکت اثر بگذارند در زمره اجتناب مالیاتی قرار می گیرند و بین فعالیت های واقعی با مطلوبیت مالیاتی، فعالیت های اجتنابی که به منظور کاهش مالیات انجام می شوند و لابی هایی که برای کسب مزایای مالیاتی انجام می شوند، تفاوتی قائل نمی گردد. طبق این تعریف اگر اجتناب مالیاتی را به صورت گسترده ای از استراتژی های برنامه ریزی مالیاتی در نظر گرفته شود، در یک طرف آن، طیف اجتناب مالیاتی قانونی و در سمت دیگر طیف اجتناب مالیاتی غیرقانونی قرار می گیرد برخی اجتناب مالیاتی را به صورت انجام اقدامات قانونی به منظور کاهش بدهی مالیاتی تعریف می کنند. در بعد محدود تفاوت مفهومی بین فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی ریشه در قانونی بودن اقدامات مودیان است. فرار مالیاتی یک نوع تخطی از قانون است، ولی اجتناب مالیاتی در چارچوب قوانین مالیاتی انجام شده و مودی دلیلی برای نگرانی بابت کشف احتمالی اقدامات خود ندارد (هانلون و هیترمن^۱، ۲۰۱۰).

مرور ادبیات اجتناب مالیاتی نشان می دهد، در اکثر پژوهش ها به این اقدام مدیران به عنوان یک فعالیت مخاطره آفرین نگرسته شده که بر شفافیت عملکرد آتی، ارزش شرکت، کیفیت سود، اعلام سود، اعتماد اجتماعی (کاناگارتنام و همکاران، ۲۰۱۸) و ریسک شرکت (گوئنتر و همکاران، ۲۰۱۴) اثر منفی می گذارد. از آنجایی که امکان پیش بینی اطلاعات مالی به ویژه سود توسط سرمایه گذاران، مستلزم ارایه اطلاعات شفاف و مربوط از سوی واحدهای تجاری است، نمی توان نقش مالیات را در ارزیابی کیفیت سود نادیده گرفت. هانلون و هیترمن (۲۰۱۰) معتقدند که بازار ممکن است نسبت به شرکت هایی که از پناهگاه های مالیاتی استفاده می کنند، واکنش منفی نشان داده و از این طریق ارزش شرکت کاهش یابد. همچنین، آتوود و همکاران (۲۰۱۰) نیز نشان داده اند که یکی از عوامل کاهش پایداری سود شرکت ها، اجتناب مالیاتی است. چنین فعالیتی اگرچه ممکن است بر جریان های نقدی جاری تاثیر مثبت بگذارد، اما ممکن است تحقق جریانهای نقدی در دوره های آتی را کاهش دهد

بر اساس آنچه گفته شد، همیشه این نگرانی وجود دارد که اطلاعات مالی به ویژه سود به عنوان یکی از شاخص های عملکرد مالی و همچنین قدرت پیش بینی سودها که معیاری جهت

¹ Hanlon, M. & Heitzman, S

تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان تلقی می‌شود، دستخوش فعالیت‌های اجتناب مالیاتی مدیران قرار گرفته و پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی را با مشکل مواجه سازد. روند رو به رشد اجتناب از پرداخت مالیات در دهه اخیر مورد توجه بسیاری از محققان واقع شده است. اجتناب مالیاتی نتیجه مهم‌ترین تصمیمات مدیران شرکت است که به واسطه جلوگیری از انتقال منابع شرکت به دولت ممکن است، آثار مساعد یا نامساعدی بر ارزش شرکت داشته باشد.

مدیران می‌توانند با به تعویق در پرداخت مالیات، از خروج وجه نقد در شرکت جلوگیری کنند. لذا، اجتناب مالیاتی برای شرکت منافی را به همراه دارد؛ ولی می‌تواند منجر به ایجاد هزینه‌های غیر مالیاتی مانند هزینه‌های مستقیم مربوط به تدوین استراتژی مالیاتی، هزینه‌های گزارشگری مالی، هزینه‌های سیاسی، هزینه‌های نمایندگی و هزینه‌های مربوط به رسوایی گردد. در شرکت‌های موفق، نقش توانایی مدیریت در تدوین سیاست‌های مالیاتی شرکت دوچندان خواهد بود اجتناب مالیاتی یکی از تصمیماتی است که شدیداً تحت تاثیر دیدگاه مدیران قرار دارد و به عنوان یک استراتژی مهم در شرکت مطرح است (پارک و همکاران، ۲۰۱۶).

هزینه فرصت ناشی از تلاش مدیران، عامل مهمی در تصمیم‌گیری آنان هست. بدلیل محدودیت در زمان و تلاش مدیران، مدیران منطقی باید تلاش بیشتری را به پروژه‌هایی معطوف کنند که ارزش فعلی بیشتری داشته باشند. مثلاً مدیران توانمند برای تبدیل منابع به درآمد به صورت کارا، ممکنست تلاش خود را بجای اجرا و طراحی استراتژی اجتناب مالیاتی بر روی عملکرد اصلی شرکت متمرکز کنند. بسیاری از پژوهش‌های قبلی مانند چن و همکاران (۲۰۱۴)؛ دسی و دارمپالا (۲۰۰۹) به سودمندی اجتناب مالیاتی برای شرکت از نظر فعالان بازار نگرینسته‌اند. بر این اساس آنها معتقد هستند از آنجا که اجتناب مالیاتی باعث افزایش مشکلات نمایندگی می‌گردد، واکنش منفی بازار را موجب می‌شود.

تاثیر عوامل فرهنگی بر فرار مالیاتی

فرهنگ، به مجموعه‌ای از عقاید، گرایش‌ها و هنجارها و ارزش‌ها گفته می‌شود. این مجموعه داخل هر جامعه‌ای وجود داشته و در قالب هویتی، فرد و جامعه را تشکیل می‌دهد. فرهنگ مالیاتی نیز به منزله دیدگاهی خاص نشئت گرفته از فرهنگ است که به آن به‌مثابه مقوله مالیات نگاه می‌شود. بر این اساس فرهنگ مالیاتی عبارت از مجموعه نگرش‌ها، ارزش‌ها، باورها و

¹ Park Et al

دانش‌های مشترک و پذیرفته شده یک جامعه است که افراد به موجب اصل تعاون و تأمین هزینه‌های دولتی سهمی از درآمد خود را برحسب توانایی به دولت پرداخت می‌کنند (پست و کالواو^۱، ۲۰۲۰).

به عبارتی فرهنگ وسیله‌ای نسبتاً جدید برای جمع‌آوری مالیات است و اگر به طور قابل توجهی تقویت شود، عملکرد سیستم مالیاتی را بهبود می‌بخشد. ترویج این فرهنگ چالشی بزرگ پیش روی هر نظام مالیاتی است و به نظر می‌رسد فرهنگ و ابعاد آن نیازمند درک و تحلیل بیشتری است. تلاش برای ایجاد یک فرهنگ منسجم می‌تواند درآمدهای مالیاتی دولت را به میزان قابل توجهی بهبود بخشد (صالحی و همکاران، ۲۰۱۴). در سال‌های اخیر، دولت ایران و نظام مالیاتی آن توجه عمده‌ای به ظرفیت و همبستگی سازمان امور مالیاتی در این حیطة داشته است. سطح درآمدهای مالیاتی ایران به‌عنوان سهمی از تولید ناخالص ملی، به‌طور کلی در دو دهه گذشته حرکت صعودی و مثبتی را تجربه کرده است.

در خصوص رابطه بین فرهنگ و مالیات می‌توان گفت که نظام مالیاتی در هر کشوری دارای ویژگی‌های خاص خود با مرزهای تاریخی، اقتصادی و اجتماعی خاص خود است. بر این اساس، فرهنگ مالیاتی تحت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی و روانی رایج در آن کشور و جامعه خاص است. لذا، از آنجایی که شرایط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و روانی هر کشور، نظام مالیاتی آن کشور را تولید می‌کند، ایجاد یک نظام مالیاتی جهانی و یکپارچه امکان‌پذیر نیست. همچنین فرهنگ مالیاتی از یک سو تحت تأثیر نظام مالیاتی حاکم بر آن جامعه (مانند تأکید بر مالیات‌های مستقیم) و از سوی دیگر در تعامل با ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن جامعه است.

ترگلر^۲ (۲۰۰۷) اذعان می‌کند که جوامع مختلف دارای ارزش‌های فرهنگی متنوعی هستند و بنابراین فرهنگ مالیاتی آنها یکسان نیست. که این عوامل فرهنگی خود می‌توانند بر اخذ یا اجتناب از مالیات اثر گذار باشند. بنی مصطفی^۳ و همکاران (۲۰۲۰)، نشان دادند که عوامل فرهنگی می‌توانند بر فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی اثر گذار باشد. بطوریکه توصیه می‌کنند که دولت‌ها هنگام بودجه‌بندی درآمدهای مالیاتی، باید بعد فرهنگ را در ارزیابی ریسک فرار مالیاتی در نظر بگیرند. چرا که عوامل فرهنگی و ابعاد آن‌ها می‌تواند موجبات فرار مالیاتی را فراهم آورد.

¹ Post, E., and Calvão, F

² Trogler

³ Bani- Mustafa

بر این اساس ما بررسی می‌کنیم که عوامل فرهنگی در مناطق آزاد چگونه می‌توانند موجبات فرار یا اجتناب مالیاتی را در کشور ایران فراهم آورند. لذا فرضیه اول تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه اول: عوامل فرهنگی بر فرار مالیاتی در مناطق آزاد تجاری تاثیر دارد.

تاثیر عوامل اقتصادی بر فرار مالیاتی

نظریه‌های اقتصادی مالیاتی غالبا با نظریه بازندگی مرتبط است. رفتار مؤدیان مالیاتی از محرک‌های اقتصادی مانند حداکثر سود، امکان کشف توسط مأموران، درآمد مؤدیان در اقتصاد غیررسمی و سایر عوامل اقتصادی تاثیر می‌گیرد. از عوامل اقتصادی مؤثر بر پرداخت‌های مالیاتی می‌توان موارد زیر را برشمرد: داشتن ثروت، سهولت ضرایب مالیاتی، اقتصاد زیرزمینی بخش خصوصی، تأخیر در زمان وصول مالیات توسط اداره دارایی، مشکلات اقتصادی ناشی از وجود تحریم‌ها و بار روانی آن‌ها (لاری و همکاران، ۱۳۹۵).

شیوه‌های فرار مالیاتی در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته خیلی بیشتر و بدتر است. فرار مالیاتی برای کشورها مانند یک بیماری همه گیر است چرا که آنها قادر به کنترل و مهار آن نمی‌باشند. لذا دولت‌ها برای بهبود استانداردهای زندگی شهروندان خود و تخصیص درست بودجه برای هزینه‌های عمومی، تحت تاثیر منفی فرار مالیاتی و آثار آن قرار می‌گیرند، که این امر، مانند به یک بیماری اقتصادی برای کشورها، تبدیل شده است (پالیل و همکاران، ۲۰۱۶؛ دیگلایسوتتی و رابلن، ۲۰۱۹؛ امیوی و همکاران، ۲۰۱۵). عوامل متعددی وجود دارند که ممکن است مالیات دهندگان را به فرار مالیاتی تشویق و هدایت کند نظیر: دانش مالیاتی، عوامل فرهنگی، سیستم مالیاتی کشور، انصاف مالیاتی، هزینه‌های انطباق (البانه و هریس، ۲۰۱۷؛ رانتلانگی و مجید، ۲۰۱۸)، نگرش نسبت به رفتار، هنجارهای ذهنی، تعهدات اخلاقی، عوامل سیاسی نظیر تحریم، عوامل اقتصادی نظیر رکود و تورم، نرخ بهره (پوترا و همکاران، ۲۰۱۸؛ الادام و همکاران، ۲۰۱۶؛ انان و همکاران، ۲۰۱۴). لذا با توجه به آنچه گفته شد مشخص گردید که فعالیت غیرقانونی انجام شده توسط مالیات دهندگان عوامل تعیین کننده بسیاری دارد که آنها را به فرار مالیاتی سوق می‌دهد. از جمله عواملی که باعث تحریک مؤدیانی که در این فعالیت شرکت می‌کنند، عوامل اقتصادی است. عوامل اقتصادی که بر فرار مالیاتی اثر گذار هستند شامل: تحریم‌های تجاری، رکود کسب و کار و میزان بار مالیاتی می‌باشند (سازونوا و سزارکوا، ۲۰۱۸). لذا ما انتظار داریم که عوامل اقتصادی بر فرار مالیاتی شرکت‌ها در مناطق آزاد تاثیر مثبتی داشته باشد. بر این اساس فرضیه دوم به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه دوم: عوامل اقتصادی بر فرار مالیاتی در مناطق آزاد تجاری، تاثیر دارد.

تاثیر عوامل سیاسی بر فرار مالیاتی

از دیر باز یکی از موضوعات بسیار مورد علاقه سازمان امور مالیاتی، مباحث حیطه فرار مالیاتی به ویژه تاثیر فرار مالیاتی بر درآمدهای مالیاتی و عدالت در بین شهروندان بوده است (الخطیب و همکاران، ۲۰۱۹). با وجود فراوانی ادبیات در مورد تمکین و فرار مالیاتی، اما توجه کافی به تاثیر عوامل سیاسی بر فرار مالیاتی نشده است. در ادبیات انتخاب عمومی فرض شده است که سیاستمداران انگیزه‌های لازم برای کنترل یا حداقل تأثیرگذاری بر اقتصاد را تا حدی دارند. این رشته از تحقیقات تحت عنوان چرخه تجاری سیاسی (PBC) گروه بندی شده است (کرونوا و همکاران، ۲۰۲۱). بررسی ادبیات موضوعی در این حیطه نشان می‌دهد که عناصر سیاسی در پرداخت‌ها و قیمت‌های عمومی بطور قابل ملاحظه ای اثر گذار هستند. مکریچ و همکاران (۱۹۷۷) تأثیرات چرخه انتخابات بر بیکاری و تورم را بررسی کردند. پیامد عمده این مطالعات این بوده است که قبل از سال انتخابات، دولت برای کاهش توقعات شهروندان نسبت به بیکاری و تورم، رکود ایجاد می‌کند، اما در سال انتخابات با نرخ‌های پایین بیکاری و تورم، موهبتی ایجاد می‌شود (پوترا و همکاران، ۲۰۱۸).

کیم (۲۰۰۸) نشان داد که عوامل سیاسی - قانونی بر فرار مالیاتی تاثیر مثبت و معناداری دارد. کرونوا و همکاران (۲۰۲۱) نیز نشان دادند که بین عوامل سیاسی نظیر فساد سیاسی و عمومی با فرار مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بدین صورت که در کشورهایی که فساد سیاسی - عمومی بالاتر باشد، میزان فرار مالیاتی نیز بیشتر خواهد بود. الیانه و هریس (۲۰۱۷) نیز نشان داده اند که فرار مالیاتی با اجتناب مالیاتی متفاوت بوده و عوامل سیاسی کشور نیز نقش پر رنگی بر آن دارند. ترزیک (۲۰۱۷) بیان کرده است که فرار مالیاتی یک مشکل اجتماعی برای کشورها است. ال باج و همکاران (۲۰۱۸) نیز بیان می‌کنند که ۲ نوع فرار مالیاتی وجود دارد. مورد اول فرار قانونی یا اجتناب مالیاتی است که توسط قوانین کشورها حمایت می‌شود و حق به مالیات دهندگان داده می‌شود، اما قانون اساسی نیست. بوند و گریسیک (۲۰۲۰) و چوی و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند شرکت هایی که در مناطق آزاد خودشان یا واحدهای تابعه آن‌ها فعالیت دارند نسبت به سایر شرکت‌ها بیشتر به اعمال فرار یا اجتناب مالیاتی روی می‌آورند. تحقیقات صورت پذیرفته در این بخش نشان می‌دهد که سطح بالای اعتماد مردم به دولت، مشروعیت حکومت و

عادلانه بودن سیستم مالیاتی می‌توان به‌عنوان عامل مثبت تأثیرگذار در تمکین مالیاتی باشد. از عوامل سیاسی - قانونی مؤثر بر پرداخت‌های مالیاتی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

ثبات سیاسی، شفافیت در قوانین و مقررات مالی، هدفمندی یارانه‌ها، خدمت‌رسانی به مردم توسط دولت، شفافیت در مصرف مالیات بوسیله دولت، اجرای جدی قوانین و مقررات مالیاتی موجود، معرفی میدان‌های کار جدید توسط دولت به افکار عمومی، پرداختن به نیازهای مادی و معنوی کارکنان امور مالیاتی، الزامات قانونی مبنی بر ارائه گزارش‌های حسابرسی مالی و صورت‌های مالی حسابرسی شده و استفاده از فن‌آوری‌های جدید و الکترونیک در تشخیص و وصول مالیات (FATF، ۲۰۲۰). از اینرو فرضیه سوم به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه سوم: عوامل سیاسی - قانونی بر فرار مالیاتی در مناطق آزاد تجاری، تاثیر دارد.

تاثیر قوانین پیچیده و متعدد مالیاتی بر اجتناب مالیاتی

بسیاری از محققان (مانند: زاچمن، ۲۰۱۴) عقیده دارند که یکی دیگر از عوامل رونق اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی، پیچیدگی قوانین و مقررات مربوط به بازارهای کار و کالا است. در مقابل ساده‌سازی قوانین، درک آن را برای مؤدیان بسیار آسان کرده و می‌تواند نقس به سزایی در کاهش فرار مالیاتی و در افزایش کارایی نظام مالیاتی داشته باشد. ریچاردسون (۲۰۰۶) با بررسی عوامل متعدد اقتصادی و غیر اقتصادی بر روی فرار مالیاتی به این نتیجه رسید که بین همه عوامل مؤثر، پیچیده بودن قوانین و مقررات مالیاتی از اهمیت بیشتری برخوردار است. وی معتقد است که در بسیاری از کشورها، پیچیده بودن قوانین و مقررات عامل اصلی فرار مالیاتی می‌باشد. بر این اساس فرضیه چهارم به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه چهارم: قوانین پیچیده و متعدد مالیاتی در مناطق آزاد تجاری بر اجتناب از مالیات،

تاثیر دارد.

تاثیر نرخ مالیات (انصاف مالیاتی) بر اجتناب و فرار مالیاتی

عامل دیگری که مالیات دهندگان را در فرار و اجتناب مالیاتی تحت تأثیر قرار می‌دهد، عدالت مالیاتی است. انصاف مالیاتی یک عامل غیراقتصادی است که وصول مالیات کشور را تعیین می‌کند (الخطیب و همکاران، ۲۰۱۹)، بدیهی است که مراحل وصول اتفاق نیفتد (ابرا، ۲۰۱۹). لذا ما در تحقیق حاضر بررسی کردیم که نرخ مالیات در مناطق آزاد ایران چه تاثیری بر فرار و

اجتناب مالیاتی داشته است. از آنجا که بر اساس تحقیقات نتیجه قاطعی در مورد تاثیر نرخ مالیات بر فرار و اجتناب مالیاتی به لحاظ جهت وجود نداشته لذا فرضیه پنجم تحقیق حاضر را بی جهت بیان کرده ایم که به شرح زیر می‌باشد: مالیات، اصول و اجرای آن باید عادلانه باشد. رفتار غیراخلاقی ممکن است به دلیل ناعادلانه بودن فرآیند جمع‌آوری مالیات اتفاق بیفتد. عادلانه بودن مالیات ممکن است بر پرداخت کنندگان مالیات تأثیر مثبت بگذارد. زمانی که نرخ مالیات معقول و منصفانه نباشد، پرداخت کنندگان از انجام روش‌های فرار مالیاتی پشیمان می‌شوند و درآمد سالانه خود را بدون انکار مبلغ دقیق به مقامات اعلام می‌کنند. در نظر گرفتن توانایی پرداخت یا نرخ‌های قابل قبول مالیاتی به حفظ عادلانه بودن نظام مالیاتی کمک می‌کند (راتلانگی و مجید، ۲۰۱۸). دولت‌ها تصمیم می‌گیرند که در چه مقدار و چه کسی نرخ مالیات بالایی بپردازند. نرخ مالیات عاملی است که مالیات دهندگان را وادار می‌کند که مبلغ کمتری از درآمد خود بپردازند. نرخ مالیات باید برای پرداخت کنندگان منصفانه و معقول باشد (اوزیلی، ۲۰۲۰). همانطور که توسط گاندهی و همکاران (۱۹۹۵) بیان شده است، مدل الینگام و ساندومو نشان می‌دهد که نرخ مالیات بر پرداخت می‌تواند مثبت، صفر یا منفی باشد، که به این معنی است که افزایش نرخ مالیات ممکن است باعث افزایش یا کاهش پرداخت مالیات شود. اما به گفته گاندهی و همکاران (۱۹۹۵) ادبیات نظری نمی‌تواند این ادعا را اثبات کند که افزایش نرخ مالیات منجر به افزایش فرار و اجتناب مالیاتی می‌شود. عادلانه بودن مالیات بحث برانگیز است چرا که ممکن است میزان مالیات مشابهی برای همه پرداخت کنندگان اتفاق نیفتد (ابرا، ۲۰۱۹). لذا ما در تحقیق حاضر بررسی کردیم که نرخ مالیات در مناطق آزاد ایران چه تاثیری بر فرار و اجتناب مالیاتی داشته است. بنابراین فرضیه پنجم تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه پنجم: نرخ مالیات در مناطق آزاد تجاری بر اجتناب از مالیات، تاثیر دارد.

تاثیر تمکین مالیاتی بر اجتناب و فرار مالیاتی

تمکین مالیاتی از اهداف مهمی بوده که همه دستگاه‌های مالیاتی در راستای دستیابی به آن بوده و در واقع اینطور می‌توان بیان کرد که درجه تمکین مالیاتی در هر کشوری، معیاری است برای سنجش کارایی نظام مالیاتی آن کشور. بر اساس نظریه بروون^۱، تمکین مالیاتی یک مفهوم تئوریک و چندجانبه است که می‌تواند در سه بخش تمکین در پرداخت، تمکین در پرونده و

¹ Brown

تمکین در گزارش‌دهی، بررسی گردد. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در تعریف مفهوم تمکین، آن را به دو بخش تقسیم می‌کند: تمکین اجرایی و تمکین تکنیکی و فنی. تمکین اجرایی به قوانین اجرایی کشور مورد نظر و تمکین فنی به تمکین در گزارش‌دهی، تمکین در فرآیندهای مورد نظر قانون و تمکین از مقررات تکنیکی لازم در محاسبات مالیات یا پرداخت آن باز می‌گردد (FATF, ۲۰۲۰)، که آگاهی از این امر خود می‌تواند بر فرار و اجتناب مالیاتی در مناطق آزاد اثر گذار باشد. لذا با توجه به آنچه گفته شد فرضیه ششم به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه ششم: تمکین مالیاتی در مناطق آزاد تجاری بر اجتناب از مالیات، تاثیر دارد.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر بدنبال بررسی راه‌های مختلف فرار مالیاتی در مناطق آزاد تجاری کشور ایران می‌باشد. به عبارتی این پژوهش بدنبال یافتن پاسخ به این سوال است که آیا عوامل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، تمکین مالیاتی، فرار مالیاتی و نرخ مالیاتی (انصاف مالیاتی) می‌توانند موجبات فرار مالیاتی را در مناطق آزاد تجاری کشور ایران، فراهم کنند یا خیر؟

۳-۱. روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف و نوع، کاربردی بوده و مبتنی بر تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده به شیوه پیمایشی است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها ابتدا داده‌های جمع‌آوری شده در نرم‌افزار Excel وارد شده و سپس با استفاده از نرم‌افزارهای Stata 15 و SmartPLS 3 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. با استفاده از اطلاعات گردآوری شده و تجزیه و تحلیل آن‌ها، صحت و سقم فرضیات تحقیق آزمون گردیده و نتایج حاصله به کل جامعه آماری مورد نظر، تعمیم داده خواهد شد.

۳-۲. ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌ها

اطلاعات مورد استفاده در این تحقیق به دودسته تقسیم می‌شوند. دسته اول؛ اطلاعات مرتبط با مبانی تئوریک و ادبیات تحقیق که با مطالعه منابع داخلی و خارجی گردآوری و فراهم شده است و دسته دوم؛ اطلاعاتی است که از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است. این پژوهش در سال

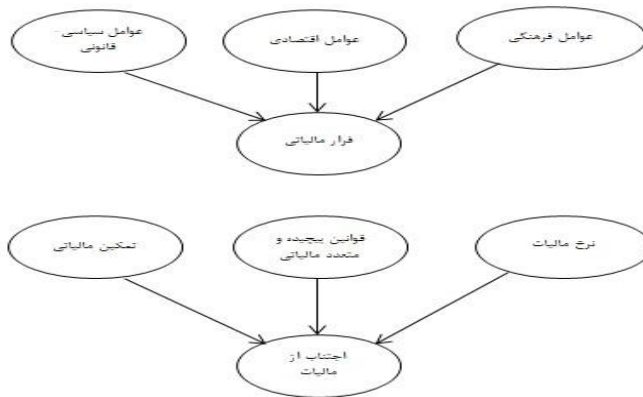
۱۳۹۹ انجام شده است. روایی پرسشنامه، بر اساس نظر صاحب نظران و پایایی آن نیز بر اساس "آلفای کرونباخ" مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۳-۳. جامعه و نمونه تحقیق

جامعه آماری این پژوهش کلیه کارمندان و متخصصان در دسترس ادارات گمرک و امور مالیاتی مناطق آزاد تجاری ایران می‌باشد. برای این منظور بر اساس روش کوکران اورکات تعداد ۴۸۰ نفر از کارمندان اداره مالیاتی مناطق آزاد و ۴۰۰ نفر هم از کارمندان اداره گمرک مناطق آزاد تجاری انتخاب گردی.

۳-۴. مدل پژوهش

شکل (۱): مدل مفهومی تحقیق



۳-۵. تجزیه و تحلیل داده ها

روش نمونه‌گیری پژوهش پیش رو بر اساس کوکران^۱ و جدول مورگان^۲ بوده که در نهایت از کارمندان ادارات امور مالیاتی و گمرک شاغل در مناطق آزاد ۲۳۲ پرسشنامه فرار مالیاتی پاسخ داده شده است. در جدول (۱)، آمار توصیفی داده‌های مربوط به فرار مالیاتی به نمایش درآمده است. برای پاسخ به ۲۶ پرسش این بخش نیز، دو گزینه بلی و خیر در نظر گرفته شده است. همان‌طور که در جدول ۲ نیز نشان

¹ William Cochran

² Daryl Morgan

داده شده است، در اکثر سوالات مطرح شده، پاسخ دهندگان گزینه بلی را انتخاب کرده‌اند. از آنجا که سوالات مربوط به مقررات وضع شده در خصوص فرار مالیاتی می‌باشد، لذا انتخاب گزینه بلی به معنی اثربخشی این موارد بر موضوع فرار مالیاتی است.

جدول (۱): فراوانی داده‌های مربوط به فرار مالیاتی

ردیف	سوال	بلی	خیر
۱	چون ثبت شرکت‌ها و موسسات صنعتی در مناطق آزاد تجاری نسبت به سایر مناطق آسانتر است بدین جهت می‌توان انتظار فرار مالیاتی از این مناطق را داشت.	۲۰۲	۳۰
	تعداد		
	درصد	۸۷	۱۳
۲	با توجه به اینکه در مناطق آزاد مقررات آسان برای ورود کالاهای مجاز وجود دارد بدین جهت راه‌های فرار مالیاتی بیشتر است.	۲۰۲	۳۰
	تعداد		
	درصد	۸۷	۱۳
۳	با توجه به اینکه در مناطق آزاد آزادی کامل ورود و خروج اصل سرمایه و سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی وجود دارد این امر منجر به افزایش فرار مالیاتی می‌شود.	۲۱۲	۲۰
	تعداد		
	درصد	۹۱	۹
۴	عدم محدودیت انتقال ارز از مناطق آزاد ایران به سایر کشورها، می‌تواند مقدمات فرار مالیاتی برای شرکت‌ها فعال در مناطق آزاد ایران را فراهم سازد.	۲۱۱	۲۱
	تعداد		
	درصد	۹۱	۹
۵	صدور محصولات خارج از کشور بدون پرداخت عوارض گمرکی و بندرگاهی می‌تواند بر میزان فرار مالیاتی در این مناطق افزون کند.	۲۲۲	۱۰
	تعداد		
	درصد	۹۶	۴
۶	افزایش نرخ مالیات منجر به کاهش ثروت افراد شده و از این رو، فرار از مالیات برای افراد جذاب‌تر می‌شود.	۱۷۲	۶۰
	تعداد		
	درصد	۷۴	۲۶
۷	افزایش حجم مالیات پرداختی، انگیزه برای شرکت در فعالیت‌های زیر زمینی و فرار از پرداخت مالیات را افزایش می‌دهد.	۱۹۱	۴۱
	تعداد		
	درصد	۸۲	۱۸
۸	با توجه به افزایش رانت و فساد مالی در چند سال اخیر، همکاری و خود اظهاری مودیان کاهش پیدا کرده است.	۱۹۲	۴۰
	تعداد		

ردیف	سوال	بلی	خیر
۹	با توجه به افزایش تورم و رکود میزان فرار مالیاتی زیاد شده است.	۸۳	۱۷
	درصد		
	تعداد	۲۲۲	۱۰
۱۰	با توجه به ثبت معاملات در دفاتر با روشهای مختلف امکان فرار مالیاتی شرکتها راحت تر شده است.	۹۶	۴
	درصد		
	تعداد	۱۵۲	۸۰
۱۱	قوانین و مقررات و معافیت‌های مالیاتی در مناطق آزاد، امکان فرار مالیاتی را در این مناطق بیشتر کرده است.	۶۶	۳۴
	درصد		
	تعداد	۲۲۲	۱۰
۱۲	از جهتی که قسط بندی مالیات مودیان در این مناطق نسبت به سایر مناطق بیشتر است این امر فرار مالیاتی را سهل کرده است.	۹۶	۴
	درصد		
	تعداد	۱۷۲	۶۰
۱۳	با توجه به وجود سرمایه گذاران خارجی و همکاری آنان با سرمایه گذاران داخلی امکان فرار مالیاتی فراهم شده است.	۷۴	۲۶
	درصد		
	تعداد	۱۶۲	۷۰
۱۴	افزایش نرخ مالیات باعث می‌شود که افراد کل درآمد خود را گزارش ندهند.	۷۰	۳۰
	درصد		
	تعداد	۲۲۲	۱۰
۱۵	مقررات و قوانین مالیاتی منجر به افزایش حجم اقتصاد زیرزمینی می‌گردد.	۹۶	۴
	درصد		
	تعداد	۱۹۱	۴۱
۱۶	یکی دیگر از مهمترین عوامل رونق اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی، پیچیده بودن قوانین و مقررات مربوط به بازارهای کار و کالا می‌باشد.	۸۲	۱۸
	درصد		
	تعداد	۲۰۲	۳۰
۱۷	قوانین متعدد مالیاتی آزادی و اختیار افراد برای حضور در اقتصاد رسمی را کاهش می‌دهد.	۸۷	۱۳
	درصد		
	تعداد	۲۱۲	۲۰
۱۸	عدم ساده سازی قوانین، درک آن را برای مودیان بسیار سخت نموده و می‌تواند تأثیر به سزایی در افزایش فرار مالیاتی داشته باشد.	۹۱	۹
	درصد		
	تعداد	۲۲۲	۱۰
۱۹	میزان اعتماد مردم به یکدیگر بر فرار مالیاتی تأثیر گذار است.	۹۶	۴
	درصد		

ردیف	سوال	بلی	خیر
	تعداد	۱۹۱	۴۱
	درصد	۸۲	۱۸
۲۰	اگر مردم اعتقاد داشته باشند که دیگر شهروندان مالیات شان را پرداخت نمی کنند، آنها نیز به سوی فرار مالیاتی متمایل خواهند شد.		
	تعداد	۲۱۱	۲۱
	درصد	۹۱	۹
۲۱	رواج فساد مالی، در نهایت منجر به عدم پایبندی به قراردادها می‌شود.		
	تعداد	۲۱۲	۲۰
	درصد	۹۱	۹
۲۲	اعتماد مردم به دولت نقش تعیین کننده ای در میزان ارتکاب به فرار مالیاتی دارد.		
	تعداد	۲۳۲	۰
	درصد	۱۰۰	۰
۲۳	تورم می‌تواند بار مالیاتی حقیقی را افزایش دهد، لذا انگیزه کافی برای فعالیت در اقتصاد زیر زمینی را فراهم آورد.		
	تعداد	۲۳۲	۰
	درصد	۱۰۰	۰
۲۴	با ایجاد تورم میزان جریمه واقعی وضع شده روی فرار مالیاتی کاهش یافته و همین مسئله منجر به افزایش آن می‌گردد.		
	تعداد	۲۳۲	۰
	درصد	۱۰۰	۰
۲۵	ایجاد تورم با افزایش پدیدار شدن بازاهای زیرزمینی رابطه مستقیم دارد.		
	تعداد	۲۲۲	۱۰
	درصد	۹۶	۴
۲۶	در صورت تورم، درآمد حقیقی مودیان کاهش یافته و همین امر فرار مالیاتی را برای آنان جذاب‌تر می‌سازد.		
	تعداد	۲۲۲	۱۰
	درصد	۹۶	۴

منبع : یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول ۲، پاسخ دهندگان در انتخاب گزینه بلی بسیار مصمم بوده‌اند به طوری که در پاسخ به سه سوال این بخش، تمامی افراد ۱۰۰ درصد موافق بوده‌اند.

۴. تجزیه و تحلیل داده ها

قبل از بررسی فرضیه‌های تحقیق روایی و پایایی پرسشنامه‌های تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد. وقتی شواهد کافی مبنی بر روایی و پایایی پرسشنامه‌ها به دست آید، می‌توان

فرضیه‌های پژوهش را ارزیابی کرد. با توجه به جدول ۲ مقدار میانگین واریانس^۱ استخراج شده برای متغیرهای مدل بالاتر از ۰/۵ است فورنل و لارکر معتقدند روایی همگرا زمانی وجود دارد که میانگین واریانس استخراج شده از ۵/۰ بزرگتر باشد.

جدول (۲): یافته‌های پایایی و روایی پژوهش

پرسشنامه	آلفای کرونباخ	ضریب پایایی مرکب	میانگین واریانس استخراج
فرار مالیاتی	۰/۸۹۰	۰/۹۰۷	۰/۶۱۴

منبع: یافته‌های تحقیق

به منظور سنجش نیکویی برازش پژوهش حاضر از دو شاخص استفاده شده که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است. می‌توان استنباط کرد که برازش مدل برای داده‌های فرار مالیاتی مناسب بوده و نتایج حاصل از آن می‌تواند قابل اتکا باشد.

جدول (۳): معیارهای نیکویی برازش

نام معیار	مقدار	مقدار قابل قبول
شاخص خی دو	۰/۰۴۱	کمتر از ۰/۰۸
شاخص تناسب به هنجار	۰/۸۷۱	هر چقدر به یک نزدیک باشد بهتر است.

منبع: یافته‌های تحقیق

در جدول (۴)، میانگین پاسخ هر یک از سوالات در خصوص فرار مالیاتی محاسبه و معنی‌داری آن آزمون شده است. این آزمون یکبار برای کل افراد و یکبار هم به تفکیک سابقه خدمتی انجام گرفته است تا تأثیر سابقه خدمتی در مقابله با فرار مالیاتی و میانگین پاسخ هر گروه به تفکیک نیز بررسی شود. با توجه به نتایج به دست آمده، تمامی سوالات در خصوص مبارزه با فرار مالیاتی بوسیله نمونه اتخاذ شده در سطح ۹۹ درصد اطمینان تأیید می‌گردد.

با بررسی میانگین پاسخ‌های دریافتی به تفکیک سابقه خدمتی، مشخص می‌شود افرادی که بیش از ۱۵ سال سابقه خدمتی دارند، نسبت به سایر گروه‌ها، در پاسخ به برخی پرسش‌ها کمتر موافق بوده و در مقابل با برخی از سوالات بیشتر موافقت کرده‌اند. به طور معنی‌دار این گروه افراد

^۱ AVE

با توجه به سابقه‌ی خدمتی بالاتر، معتقد هستند که صدور محصولات خارج از کشور بدون پرداخت عوارض گمرکی و بندرگاهی تأثیر کمتری بر میزان فرار مالیاتی در این مناطق دارد. همچنین، این گروه از افراد، اظهار دارند که افزایش نرخ مالیات منجر به کاهش کمتر ثروت افراد شده و از این رو، در مقایسه با سایر گروه‌ها، فرار از مالیات برای افراد را کمتر جذاب، ارزیابی کرده‌اند. علاوه بر این، هر چه سابقه خدمتی فرد بالاتر باشد، با توجه به ثبت معاملات در دفاتر با روش‌های مختلف امکان فرار مالیاتی شرکت‌ها کمتر شده است. همچنین، قوانین و مقررات و معافیت‌های مالیاتی در مناطق آزاد، از منظر این گروه امکان فرار مالیاتی را در این مناطق کمتر افزایش داده است. با توجه به افزایش سابقه‌ی خدمتی، افراد با سابقه‌ی خدمتی بالاتر معتقدند که از جهتی که قسط بندی مالیات مودیان در این مناطق نسبت به سایر مناطق کمتر افزایش یافته است و این امر فرار مالیاتی را سهل کرده است. همچنین، با توجه به وجود سرمایه گذاران خارجی و همکاری آنان با سرمایه گذاران داخلی امکان فرار مالیاتی به نسبت کمتری تسهیل شده است. از این رو، این گروه پیچیده بودن قوانین و مقررات مربوط به بازارهای کار و کالا را نسبت به سایرین کمتر از عوامل رونق اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی می‌دانند. در انتها باید اظهار کرد که افراد با سابقه‌ی خدمتی بالای ۱۵ سال نسبت به سایر گروه‌ها، معتقدند که قوانین متعدد مالیاتی آزادی و اختیار افراد برای حضور در اقتصاد رسمی را کمتر کاهش می‌دهد.

در مقابل این موارد، با بررسی پرسش‌ها و تحلیل آن‌ها به تفکیک سابقه خدمتی مشخص گردید که هر چه سابقه خدمتی افراد بالاتر باشد، آنان قاطعیت بیشتری در پاسخ به این پرسش‌ها داشته‌اند. از آن جمله، افراد با سابقه خدمتی بالاتر معتقدند که عدم محدودیت انتقال ارز از مناطق آزاد ایران به سایر کشورها، می‌تواند مقدمات فرار مالیاتی را برای شرکت‌ها فراهم نماید. همچنین، این گروه اعتقاد دارند که با توجه به افزایش تورم و رکود میزان فرار مالیاتی بیشتر افزایش پیدا کرده است. در صورت تورم، درآمد حقیقی مودیان از منظر این گروه کاهش بیشتری یافته و همین امر فرار مالیاتی را برای آنان جذابتر می‌سازد.

جدول (۴): نتایج آزمون تحلیل واریانس میانگین پرسشنامه فرار مالیاتی به تفکیک سابقه خدمتی

نتیجه	میانگین	< ۱۵	۱۵-۲۰	۲۰-۲۵	> ۲۵	سوال
تأیید	۰.۸۷***	۰.۷۸	۰.۷۶	۱	۱	از چپتی که ثبت شرکتها و موسسات صنعتی در مناطق آزاد تجاری نسبت به سایر مناطق آسانتر است بدین جهت می‌توان انتظار فرار مالیاتی از این مناطق را داشت.
تأیید	۰.۸۷***	۰.۷۸	۰.۷۶	۱	۱	با توجه به اینکه در مناطق آزاد مقررات آسان برای ورود کالاهای مجاز وجود دارد بدین جهت راه‌های فرار مالیاتی بیشتر است.
تأیید	۰.۹۱***	۰.۸۹	۱	۱	۰.۷۵	با توجه به اینکه در مناطق آزاد آزادی کامل ورود و خروج اصل سرمایه و سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی وجود دارد این امر منجر به افزایش فرار مالیاتی می‌شود.
تأیید	۰.۹۰***	۱	۱	۰.۸۲	۰.۷۵	عدم محدودیت انتقال ارز دیگر مناطق آزاد ایران یا سایر کشورها در مناطق آزاد می‌تواند مقدمات فرار مالیاتی برای شرکتها فعال را فراهم سازد.
تأیید	۰.۷۴***	۰.۸۹	۱	۱	۱	صدور محصولات خارج از کشور بدون پرداخت عوارض گمرکی و بندرگاهی می‌تواند بر میزان فرار مالیاتی در این مناطق افزون کند.
تأیید	۰.۸۲***	۰.۵۶	۱	۰.۶۷	۱	افزایش نرخ مالیات منجر به کاهش ثروت افراد شده و از این رو، فرار از مالیات برای افراد جذابتر می‌شود.
تأیید	۰.۸۲***	۰.۶۷	۱	۰.۸۲	۱	افزایش حجم مالیات پرداختی، انگیزه برای شرکت در فعالیت‌های زیر زمینی و فرار از پرداخت مالیات را افزایش می‌دهد.
تأیید	۰.۹۶***	۰.۷۸	۰.۷۶	۰.۸۴	۱	با توجه به افزایش رانت و فساد مالی در چند سال اخیر، همکاری و خود اظهاری مودیان کاهش پیدا کرده است.
تأیید	۰.۹۶***	۱	۱	۱	۰.۷۵	با توجه به افزایش تورم و رکود میزان فرار مالیاتی زیاد شده است.
تأیید	۰.۶۶***	۰.۵۶	۰.۷۶	۰.۶۷	۰.۷۵	با توجه به ثبت معاملات در دفاتر با روش‌های مختلف امکان فرار مالیاتی شرکتها راحتتر شده است.
تأیید	۰.۹۶***	۰.۸۹	۱	۱	۱	قوانین و مقررات و معافیت‌های مالیاتی در مناطق آزاد، امکان فرار مالیاتی را در این مناطق بیشتر کرده است.
تأیید	۰.۷۵***	۰.۴۴	۱	۰.۸۴	۱	از چپتی که قسط بندی مالیات مودیان در این مناطق نسبت به سایر مناطق بیشتر است این امر فرار مالیاتی را سهل کرده است.
تأیید	۰.۷۰***	۰.۵۶	۰.۷۶	۰.۸۴	۰.۷۵	با توجه به وجود سرمایه گذاران خارجی و همکاری آنان با سرمایه گذاران داخلی امکان فرار مالیاتی فراهم شده است.
تأیید	۰.۸۲***	۰.۸۹	۱	۱	۱	افزایش نرخ مالیات باعث می‌شود که افراد کل درآمد خود را گزارش ندهند.
تأیید	۰.۸۷***	۰.۸۹	۱	۰.۶۶	۰.۷۵	مقررات و قوانین مالیاتی منجر به افزایش حجم اقتصاد زیرزمینی می‌گردد.
تأیید	۰.۹۶***	۰.۷۸	۱	۰.۸۴	۱	یکی دیگر از مهمترین عوامل رونق اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی، پیچیده بودن قوانین و مقررات مربوط به بازارهای کار و کالا می‌باشد.
تأیید	۰.۸۲***	۰.۷۸	۱	۱	۱	قوانین متعدد مالیاتی آزادی و اختیار افراد برای حضور در اقتصاد رسمی را کاهش می‌دهد.
تأیید	۰.۹۰***	۱	۱	۰.۸۴	۱	عدم ساده سازی قوانین، درک آن را برای مودیان بسیار سخت نموده و می‌تواند تأثیر به سزایی در افزایش فرار مالیاتی داشته باشد.
تأیید	۰.۸۴***	۰.۷۸	۱	۰.۶۶	۱	میزان اعتماد مردم به یکدیگر بر فرار مالیاتی تأثیر گذار است.
تأیید	۰.۹۱***	۱	۱	۰.۶۶	۱	اگر مردم اعتقاد داشته باشند که دیگر شهروندان مالیات شان را پرداخت نمی‌کنند، آنها نیز به سوی فرار مالیاتی متمایل خواهند شد.
تأیید	۰.۹۱***	۱	۱	۰.۶۷	۱	رواج فساد مالی، در نهایت منجر به عدم پایبندی به قراردادهای می‌شود.
تأیید	۱***	۱	۱	۱	۱	اعتماد مردم به دولت نقش تعیین کننده‌ای در میزان ارتکاب به فرار مالیاتی دارد.
تأیید	۱***	۱	۱	۱	۱	تورم می‌تواند بار مالیاتی حقیقی را افزایش دهد، لذا انگیزه کافی برای فعالیت در اقتصاد زیر زمینی را فراهم آورد.

نتیجه	میانگین	۱۵ <	$\frac{P_{10}}{P_{90}}$	$\frac{P_{10}}{P_{50}}$	< ۵	سوال
تأیید	۱***	۱	۱	۱	۱	با ایجاد تورم میزان جرمه واقعی وضع شده روی فرار مالیاتی کاهش یافته و همین مسئله منجر به افزایش آن می‌گردد.
تأیید	۰.۹۶***	۱	۱	۰.۸۴	۱	ایجاد تورم با افزایش پدیدار شدن بازاهای زیرزمینی رابطه مستقیم دارد.
تأیید	۰.۹۵***	۱	۱	۱	۰.۷۵	در صورت تورم، درآمد حقیقی مودیان کاهش یافته و همین امر فرار مالیاتی را برای آنان جذابتر می‌سازد.

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول (۵): مولفه‌ها؛ تعداد سوالات، آلفای کرونباخ و نتایج تحلیل عاملی

متغیر	مولفه‌ها	تعداد سوالات	آلفای کرونباخ	تحلیل عاملی
فرار مالیاتی	عوامل فرهنگی	۴	۰.۷۸۹	۰.۸۸۷-۰.۷۹۲
	عوامل اقتصادی	۶	۰.۹۴۵	۰.۹۷۸-۰.۶۴۵
اجتناب از مالیات	عوامل سیاسی-قانونی	۵	۰.۸۶۹	۰.۹۹۵-۰.۸۰۷
	نرخ مالیات	۲	۰.۹۹۲	۰.۹۹۷-۰.۸۷۹
	قوانین پیچیده و متعدد مالیاتی	۶	۰.۸۵۹	۰.۸۹۹-۰.۸۳۱
	تمکین مالیاتی	۴	۰.۷۴۹	۰.۹۷۱-۰.۶۷۹

منبع: یافته‌های تحقیق

علاوه بر این، در جدول (۵)، آلفای کرونباخ هر قسمت از پرسشنامه نیز محاسبه شده است. با توجه به این که آلفای کرونباخ در بازه بین ۰.۷۸۹ تا ۰.۹۹۲ محاسبه شده است، در نتیجه پرسش‌نامه‌های فرار مالیاتی از ساختار درونی مناسبی برخوردار می‌باشند. در جدول (۶)، آمار توصیفی هر کدام از مولفه‌ها و پس از آن سه شاخص اصلی فرار مالیاتی، اجتناب از مالیات نشان داده شده است. شایان ذکر است که تعداد افراد شرکت‌کننده در پرسشنامه فرار مالیاتی، ۲۳۲ نفر می‌باشند. با توجه به میانگین و حداقل به دست آمده از هر مولفه، می‌توان تشخیص داد که عوامل اقتصادی بیشترین اثر بر فرار از مالیات را دارند. پس از آن به ترتیب عوامل فرهنگی و عوامل سیاسی-قانونی اثرگذار می‌باشند. برای عوامل اجتناب از مالیات، با توجه به میانگین و حداقل مقدار به دست آمده، تمکین مالیاتی بیشترین اثر بر اجتناب از مالیات با میانگین پاسخ مثبت دریافتی ۰.۹۲۵، دارا است. بعد از آن، قوانین پیچیده و متعدد مالیاتی و نرخ مالیات به ترتیب بیشترین اثر بر اجتناب از مالیات با میانگین پاسخ مثبت دریافتی ۰.۸۵۶ و ۰.۷۸۲ را دارا هستند.

جدول (۶): آمار توصیفی متغیرهای پنهان پژوهش

مولفه‌ها	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
فرار مالیات	۲۳۲	۰٫۹۰۵	۰٫۱۱۲	۰٫۵۳۹	۱
عوامل فرهنگی	۲۳۲	۰٫۹۲۳	۰٫۱۱۵	۰٫۷۵	۱
عوامل اقتصادی	۲۳۲	۰٫۹۶۴	۰٫۰۹۸	۰٫۶۶۷	۱
عوامل سیاسی-قانونی	۲۳۲	۰٫۸۲۷	۰٫۲۰۷	۰٫۲	۱
اجتناب از مالیات	۲۳۲	۰٫۸۵۴	۰٫۱۸۴	۰٫۳۶۱	۱
نرخ مالیات	۲۳۲	۰٫۷۸۲	۰٫۳۵۶	۰	۱
قوانین پیچیده و متعدد مالیاتی	۲۳۲	۰٫۸۵۶	۰٫۲۳۲	۰٫۱۶۷	۱
تمکین مالیاتی	۲۳۲	۰٫۹۲۵	۰٫۱۳۷	۰٫۵	۱

منبع: یافته‌های تحقیق

پس از آن در جدول (۷)، همبستگی میان مولفه‌های فرار مالیاتی به دست آمده است. تمامی سه مولفه عوامل اقتصادی، فرهنگی و سیاسی - قانونی اثر مثبت و معنی‌داری بر فرار مالیاتی دارند. در این میان عوامل اقتصادی در سطح ۹۹ درصد و عوامل فرهنگی و سیاسی - قانونی در سطح ۹۵ درصد بر فرار مالیاتی تاثیر دارند.

جدول (۷): ماتریس همبستگی عوامل فرار مالیاتی

فرار مالیاتی	عوامل سیاسی-قانونی	عوامل اقتصادی	عوامل فرهنگی
عوامل فرهنگی			۱٫۰۰۰
عوامل اقتصادی		۱٫۰۰۰	۰٫۳۵۹
عوامل سیاسی - قانونی	۱٫۰۰۰	۰٫۴۰۵	۰٫۴۴۹
فرار مالیاتی	۰٫۸۹۰**	۰٫۶۷۸***	۰٫۷۳۷**

منبع: یافته‌های تحقیق

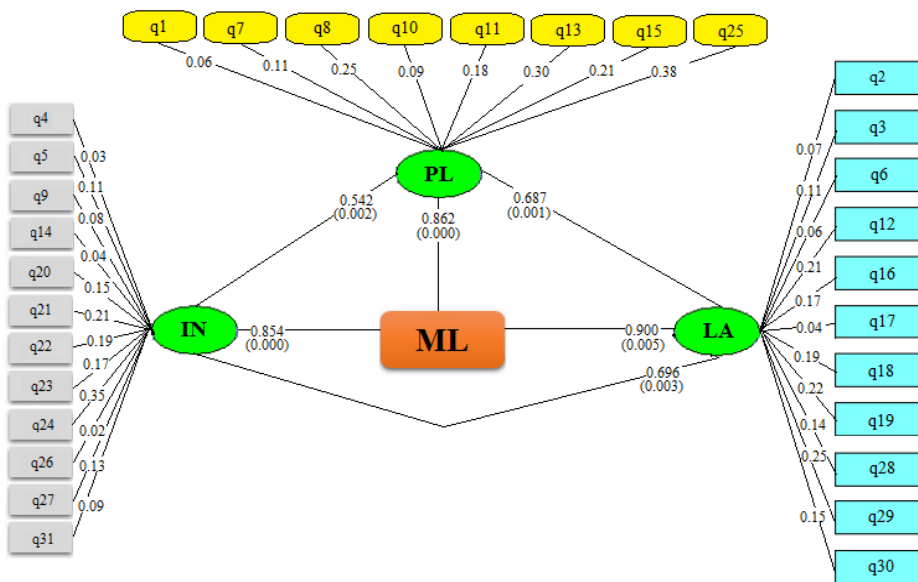
پس از آن در جدول (۸)، همبستگی میان مولفه‌های اجتناب از مالیات به دست آمده است. تمامی سه مولفه نرخ مالیات، قوانین پیچیده و متعدد مالیاتی و تمکین مالیاتی اثر مثبت و معنی و معنی‌دار بر اجتناب از مالیات دارند. در این میان تمکین مالیاتی و نرخ مالیات در سطح ۹۹ درصد و قوانین پیچیده و متعدد مالیاتی در سطح ۹۵ درصد اثرگذارند.

جدول (۸): ماتریس همبستگی عوامل اجتناب مالیاتی

	نرخ مالیات	قوانین پیچیده و متعدد مالیاتی	تمکین مالیاتی	اجتناب از مالیات
نرخ مالیات	۱,۰۰۰			
قوانین پیچیده و متعدد مالیاتی	۰,۲۷۸	۱,۰۰۰		
تمکین مالیاتی	۰,۳۲۹	۰,۴۵۲	۱,۰۰۰	
اجتناب از مالیات	۰,۸۴۲***	۰,۷۱۰**	۰,۶۴۹***	۱,۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

نمودار (۱): نحوه‌ی اثرگذاری متغیرهای آشکار و پنهان پرسشنامه فرار مالیاتی بر یکدیگر



در نمودار (۱)، خروجی و نحوه اثرگذاری متغیرهای پنهان و آشکار پرسشنامه اول با توجه به نتایج جدول ۶ تا ۹ ترسیم شده است. در این میان همبستگی دو متغیر فرار مالیاتی و اجتناب از مالیات در سطح بالای ۰,۹۹۴ به دست آمده است که حاکی از تاثیر مثبت و معنی دار در سطح ۹۹ درصد، میان آن دو دارد. به طور مشابه در شکل (۲)، خروجی نرم‌افزار PLS برای نمایش نحوه اثرگذاری متغیرهای پنهان و آشکار پرسشنامه دوم ترسیم شده است.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هر شهروند یا واحد تجاری یا سازمانی در هر کشور، مشمول پرداخت مالیات کشوری می‌باشد که توسط مقامی که درآمد را اداره میکنند، وضع می‌گردد. با این حال، مالیات دهنده ممکن است تمایلی به پرداخت مالیات، بر اساس درآمد خود، را نداشته باشد. عواملی وجود دارد که پرداخت کنندگان را به فرار مالیاتی ترغیب می‌کند. گاهی اوقات ممکن است پرداخت کنندگان خودشان متقاعد شوند که درگیر فرار مالیاتی شوند. آنها ممکن است استدلال کنند "من مزایا را دریافت نمی‌کنم، بنابراین مجبور به پرداخت مالیات نیستم". (رابرت، ۲۰۱۲). این پژوهش سعی دارد با شناسایی عواملی نظیر: عوامل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، نرخ مالیات (انصاف مالیاتی) و تمکین مالیاتی به بررسی عوامل فرار مالیاتی در مناطق آزاد تجاری ایران بپردازد. بر این اساس یافته‌های تحقیق بیانگر این امر است که عوامل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، نرخ مالیات (انصاف مالیاتی) و تمکین مالیاتی بر فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی واحدهای تجاری در مناطق آزاد ایران تاثیر مثبت و معناداری داشته است. با توجه به نتایج تحقیق، عوامل فرهنگی بر فرار مالیاتی تاثیر مثبت و معناداری داشته است که این امر با نتایج تحقیق بنی موسی^۱ و همکاران (۲۰۲۰) هم راستا می‌باشد اما با نتایج تحقیق تورگلر^۲ و همکاران (۲۰۱۹) که بیان کردند عوامل فرهنگی موجب کاهش فرار مالیاتی می‌شود، در تضاد است. دلیل این امر هم می‌تواند این باشد که جوامع مختلف دارای ارزش‌های فرهنگی متنوعی هستند و لذا فرهنگ مالیاتی آنها یکسان نخواهد بود. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که عوامل اقتصادی، تاثیر معنی دار و مثبت بر فرار مالیاتی دارند که این امر نیز با نتایج تحقیقات ساکسونووا و زارکورال^۳ (۲۰۱۸)؛ پوتارا و همکاران^۴ (۲۰۱۸)؛ الادهم^۵ و همکاران (۲۰۱۶)؛ عنان^۶ و همکاران (۲۰۱۴) هم راستا می‌باشد. نتایج تحقیق حاضر نشان داد که عوامل سیاسی و قانونی نیز بر فرار مالیاتی در مناطق آزاد تجاری ایران تاثیر مثبتی داشته است که این امر با نتایج تحقیقات کیم^۷ (۲۰۰۸)؛ کوراوان و همکاران (۲۰۲۱)؛ آلین و هریس (۲۰۱۷) که بیان کردند عوامل سیاسی - قانونی بر فرار مالیاتی تاثیر مثبت و معناداری دارند، هم راستا می‌باشد. بدین صورت که در کشورهایی که فساد سیاسی - عمومی بالاتر باشد،

¹ Bani-Mustafa

² Torgler

³ Saxunova and Szarkova

⁴ Putra

⁵ AlAdham

⁶ Annan

⁷ Kin

میزان فرار مالیاتی نیز بیشتر خواهد بود. از طرفی نتایج تحقیق نشان داد که قوانین پیچیده و متعدد مالیاتی در مناطق آزاد تجاری، موجب افزایش فرار مالیاتی در این مناطق می‌شود که این نتیجه نیز تایید کننده نتایج تحقیقات زوکمن^۱ (۲۰۱۴) می‌باشد. بر اساس نتایج تحقیق، نرخ مالیاتی بر اجتناب مالیاتی تاثیر مثبت داشته است. این یافته تأیید می‌کند که مالیاتی که توسط دولت دریافت می‌شود برای پرداخت کنندگان منصفانه نیست. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که به دلیل عدم رعایت انصاف مالیاتی، مودیان مالیاتی در مناطق آزاد ایران، دچار فرار مالیاتی هستند که این امر با نتایج تحقیق کسا^۲ (۲۰۲۱) هم راستا می‌باشد. بر اساس یافته‌ها، توصیه می‌شود که کشورها یک سیستم پرداخت مالیات منصفانه را ایجاد نمایند چرا که انصاف مالیاتی، باعث کاهش فرار و اجتناب مالیاتی خواهد شد. توصیه دوم این است که، آموزش‌های مختلف مرتبط با مالیات، به مودیان داده شود تا این گروه بر اساس درآمد سالانه خود، مالیات پرداخت کنند.

۶. تعارض منافع

هیچگونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

منابع

- لاری دشت بیاض محمود، قائم مقامی کامران، کهرمی قاسم (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در استان خراسان جنوبی با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی. دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۱ (۱): ۱۶۴-۱۳۹
- Abera, A. A. (2019). "Factors affecting presumptive tax collection in Ethiopia: Evidence from category "C" taxpayers in Bahir Dar City". *Journal of Tax Administration*, Vol. 5 No. 2, pp. 74-96.
- AlAdham, M. A. A., Abukhadijeh, M. A., and Qasem, M. F. (2016). "Tax evasion and tax awareness evidence from Jordan". *International Business Research*, Vol. 9 No. 12, pp. 69-70.
- Al Baaj, Q. M. A., Al Marshedi, A. A. S., and Al-Laban, D. A. A. (2018). "The impact of electronic taxation on reducing tax evasion methods of

¹ Zucman

² Kassa

- Iraqi companies listed in the Iraqi stock exchange”. *Academy of Accounting and Financial Studies Journal*, Vol. 22 No. 4, pp. 1-13
- Alkhatib, A. A., Abdul-Jabbar, H., Abuamria, F., and Rahhal, A. (2019). “The effects of social influence factors on income tax evasion among the Palestinian SMEs”. *International Journal of Advanced Science and Technology*, Vol. 28 No. 17, pp. 690–700.
 - Alleyne, P., and Harris, T. (2017). “Antecedents of taxpayers’ intentions to engage in tax evasion: Evidence from Barbados”. *Journal of Financial Reporting and Accounting (Emerald Publishing Limited)*, Vol. 15 No. 1, pp. 2–21
 - Ameyaw, B., Addai, B., Ashalley, E., and Quaye, I. (2015). “The effects of personal income tax evasion on socio-economic development in Ghana: A case study of the informal sector”. *British Journal of Economics, Management & Trade (Sciencedomain international)*, Vol. 10 No. 4, pp. 1–14.
 - Annan, B., Bekoe, W., and Nketiah-Amponsah, E. (2014). “Determinants of Tax Evasion in Ghana: 1970-2010”. *International Journal of Economic Sciences and Applied Research*, Vol. 6 No. 3, pp. 97–121.
 - Atwood, T., Drake, M. S., and Myers, L. A. (2010). “Book-tax Conformity, Earnings Persistence and the Association Between Earnings and Future Cash flows”. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 50 No. 1, pp. 111-125. <https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2009.11.001>
 - Bani-Mustafa, A., Al Qudah, A., Damrah, S. and Alameen, M. (2020), "Does culture influence whether a society justifies tax cheating?", *Journal of Financial Crime*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print , pp. 29- 45.
 - Bond, E. W., Gresik, T. A., (2020). “Unilateral tax reform: Border adjusted taxes, cash flow taxes, and transfer pricing”. *Journal of Public Economics*, Vol. 184 No. 9, A. 104160, pp. 35- 45.
 - Chan, H. F., Dulleck, U. and Torgler, B. (2019). “Response Times and Tax Compliance”. *Games*. Vol. 10 No. 4, pp. 25- 45.
 - Chen, X., Hu, N., Wang, X. and Tang, X. (2014), "Tax avoidance and firm value: evidence from China", *Nankai Business Review International*, Vol. 5 No. 1, pp. 25-42.
 - Choi, J. P., Furusawa, T. and Ishikawa, J., (2020). “Transfer pricing regulation and tax competition”. *Journal of International Economics*, Vol. 127 No. 20, A. 103367, pp. 41- 45.
 - Degl’Innocenti, D. G., and Rablen, M. D. (2019). “Tax evasion on a social network”. *Journal of Economic Behavior and Organization*, Vol. 169 No. 7, pp. 79–91

- Desai, M. and Dharmapala, D. (2009), "Corporate tax avoidance and firm value". *Review of Economics and Statistics*, Vol. 91 No. 3, pp. 537-546.
- Gandhi, V. P., Edrill, L. P., Mackenzie, G. A., Manas-Anton, L. A., Modi, J. R., Richupan, S., and Shome, P. (1995). "Supply-side tax policy: Its relevance to developing countries". International Monetary Fund, Vol. 5 No. 1, pp. 59-72.
- Guenther, D. A., Matsunaga, S. R., and Williams, B. M. (2016). "Is Tax Avoidance Related to Firm Risk?". Working Paper, Eugene, Oregon, Vol. 6 No. 1, pp. 15-22.
- Hanlon, M., and Heitzman, S. (2010). "A Review of Tax Research". *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 50 No. 2-3, pp. 127-178.
- Kanagaretnam, K., Lee, J., Lim, C.Y., and Lobo, G.J. (2018). "Societal Trust and Corporate Tax Avoidance". *Review of Accounting Studies*, Vol. 23 No. 4, pp. 1588-1628.
- Kassa, E.T. (2021), "Factors influencing taxpayers to engage in tax evasion: evidence from Woldia City administration micro, small, and large enterprise taxpayers". *Journal of Innovation and Entrepreneurship*, Vol. 10 No. 1, pp. 1-16,
- Kim, J. B., Li, Y. and Zhang, L. (2011). "Corporate tax avoidance and stock price crash risk: Firm-level analysis". *Journal of Financial Economics*, Vol. 100 No. 3, pp. 639-662.
- Kim, S. (2008). "Does political intention affect tax evasion?", *Journal of Policy Modeling*, Vol. 30 No. 3, pp. 401-415.
- Kurauone, O., Kong, Y., Sun, H., Famba, T. and Muzamhindo, S. (2021), "Tax evasion; public and political corruption and international trade: a global perspective", *Journal of Financial Economic Policy*, Vol. 13 No. 6, pp. 698-729.
- Mcrae, D. (1977). "A Political Model of the Business Cycle". *Journal of Political Economy*, Vol. 85 No.2, pp. 239-263
- Ozili, P. K. (2020). "Tax evasion and financial instability". *Journal of Financial Crime.*, Vol. 27 No. 2, pp. 531-539.
- Palil, M. R., Malek, M. M., and Jaguli, A. R. (2016). "Issues, challenges and problems with tax evasion: The institutional factors approach". *Gadjah Mada International Journal of Busines*, Vol. 18 No. 2, pp. 187-206.
- Park, J., Ko, C.Y., Jung, H., and Lee, Y.S. (2016). "Managerial ability and tax avoidance: Evidence from Korea". *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, Vol. 23 No. 4, pp. 449-477
- Post, E., and Calvão, F. (2020), "Mythical Islands of Value: Free Ports, Offshore Capitalism, and Art Capital", *Arts*, Vol. 9 No. 4, pp. 1-19,

- Putra, P. D., Syah, D. H., and Sriwedari, T. (2018). "Tax avoidance: Evidence of as a proof of agency theory and tax planning". *International Journal of Research and Review*, Vol. 5 No. 9, pp. 2454–2223.
- Rantelangi, C. and Majid, N. (2018). "Factors that influence the taxpayers' perception on the tax evasion". In *Advances in economics, business and management research (AEBMR)*, china, Vol. 30 No. 3, pp. 401–415.
- Richardson, G. (2006). "Determinants of tax evasion: A cross-country investigation". *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, Vol. 15 No. 2, pp. 150–69.
- Robert, W. M. G. (2012). "The ethics of tax evasion; perspectives in theory and practice". North Miami: Springer Science Business Media, London, Vol. 30 No. 3, pp. 39–41.
- Salehi, M., Tarighi, H. and Shahri, T.A. (2020), "The effect of auditor characteristics on tax avoidance of Iranian companies", *Journal of Asian Business and Economic Studies*, Vol. 27 No. 2, pp. 119-134.
- Saxunova, D., and Szarkova, R. (2018). "Global Efforts of Tax Authorities and Tax Evasion Challenge". *Journal of Eastern Europe Research in Business and Economics*, 2018(2018), pp. 1–14.
- Terzić, S. (2017). "Model for determining subjective and objective factors of tax evasion". *Notitia - Journal for Economic, Business and Social Issues*, Notitia Ltd., Vol. 1 No. 3, pp. 49–62.
- Torgler, B. (2007), "*Tax Compliance and Tax Morale: A Theoretical and Empirical Analysis*", Edward Elgar Publishing, United Kingdom, Vol. 30 No. 3, pp. 411–422.
- Zucman, G. (2014). "Taxing across borders: Tracking personal wealth and corporate profits". *The Journal of Economic Perspectives*, Vol. 28 No. 4, pp. 121–148.

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by the Islamic Azad University, West Tehran Branch. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



Assessing Tax Evasion Methods in Free-Trade Zones

*Javad Ghanbari nejad*¹
Mehdi Salehi^{2*}
*Ahmad Pifeh*³

Abstract

This paper aims to assess different tax evasion methods in the free-trade zones of Iran. In other words, this paper seeks to answer the question of whether the cultural, economic, and political factors, tax compliance, tax evasion, and tax rates (tax fairness) can cause tax evasion in free trade zones of Iran or not. The study method is practical in terms of the objective and descriptive survey based on the method. The study's statistical population comprises all employees and experts of the customs office and Tax Affairs Administration of the free-trade zones, including 480 employees of the tax administration and 400 employees of the customs office using the Cochran Sampling method as the sample of the study. This paper uses the PLS tests to assess the effect of independent variables on the dependent ones. The study results show that the cultural, economic, and political factors, tax compliance, tax evasion, and tax rates (tax fairness) have a positive and significant effect on tax evasion and tax avoidance in the free-trade zones of Iran. Since no study has been carried out so far on different tax evasion methods in the free-trade zones of Iran, results can provide users with helpful information and contribute to the development of science and knowledge. Practitioners can give beneficial information since this paper was carried out in Iran with peculiar political-economic conditions (severe economic sanctions, highly intensive inflation, and eight years of imposed war).

Keywords

Tax evasion; Tax rates; Economic factors; Tax compliance.

JEL Classification: H26; K34

¹ Ph. D Student in Accounting, Department of Accounting, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran, Email: javad.82@gmail.com

^{2*} Professor of Accounting, Department of Accounting, Ferdowsi University, Mashhad, Iran, Corresponding Author, Email: mehdi.salehi@um.ac.ir

³ Assistant Professor of Accounting, Department of Accounting, University of Sistan and Baluchistan, Zahedan, Iran. Email: pifeh@acc.usb.ac.ir